

متن پرسش

سلام: آیه الله جوادی حفظه الله می‌فرماید که بخشی از کارهایی ما به علم و اندیشه برمی‌گردد بخشی از کارهایی ما هم به انگیزه و عمل برمی‌گردد در درون ما دو متولّی وجود دارد که يك متولّی يك شأن از شئون جان ما مسئولیتش تصوّر و تصدیق و قضایای علمی است بخش دیگر مسئولیتش درباره اراده و عزم و قصد و جزم و اخلاص و نیت و امثال ذلك است. سپس انسانها را به ۴ دسته تقسیم می‌کنند: عالم با عمل و بی عمل، جاهل با اراده و بی اراده مورد سوال بنده قسم دوم هست یعنی کسانی که بخشهایی ادراکی آنها قوی است یعنی چشمشان سالم است گوششان سالم است ولی دست و پای آنها فلج است یا بیگانه آمده این دست و پا را بست این شخص مار را می‌بیند عقرب را می‌بیند ولی قدرت فرار ندارد چون آنکه باید فرار بکند دست و پا بست که بسته است. حال سوال بنده که با وجود دنبال کردن مباحث، به نتیجه نرسیده ام این است که چنین افرادی که علم و حواس دارند اما به قول استاد دست و پایشان بسته است و اراده ی فرار از گناه را ندارند چه کنند؟ علم را می‌توان یاد گرفت یا به دیگری یاد داد ولی فردی که می‌داند اما توان فرار و اراده قوی ندارد، او باید چه کند؟ ممنونم از صبرتان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فرضی که می‌فرمایید با توهم همراه است زیرا هر انسان در هر حال یا این یا آن نیست بلکه جمع آن دو است تا امکان ترجیح یکی برای دیگری برایش باشد هرچند ممکن است یکی از آن ابعاد، شدت بیشتری داشته باشد ولی دست بسته نیست. موفق باشید